

علی قاسمی منفرد، کارگردان فیلم «تاریخ مصور سرگردانی» در گفت‌وگو با روزنامه صبا

آشفتگی و خلاقیت در سینمای تجربی

معصومه دهقان
گفت‌وگو

به بهانه حضور فیلم تجربی «تاریخ مصور سرگردانی» در چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، با علی قاسمی منفرد، کارگردان فیلم، گفت‌وگو کردیم تا از مسیر خلق اثر، چالش‌ها و تجربه‌هایش در سینمای تجربی بیشتر بدانیم. این فیلم دومین اثر حرفه‌ای اوست؛ قاسمی منفرد سال گذشته نیز با فیلم تجربی «و آزاد می‌شوم» در جشنواره فیلم کوتاه تهران حضور داشت.



این فیلم چندمین اثر حرفه‌ای شماست؟
اگر معیار حضور در فضای حرفه‌ای پخش باشد، این دومین اثر حرفه‌ای من به شمار می‌رود. سال گذشته نیز با فیلم «و آزاد می‌شوم» در جشنواره فیلم کوتاه تهران حاضر شدم. آن اثر تجربه‌ای مبتنی بر مواد خام موبایلی بود و داستان دختری را روایت می‌کرد که گوشی‌ای پیدا می‌کند، با کنجکاوی محتویات آن را بررسی می‌کند و با تصاویری از خود روبه‌رو می‌شود.

ایده و روند ساخت فیلم چگونه شکل گرفت؟

در سال‌های گذشته صداهای مختلفی از محیط‌های گوناگون با گوشی ضبط می‌کردم. هدفم از این کار، یادآوری تجربه حضور در آن محیط‌ها بود؛ به عبارتی صداها بتوانند خاطره را به شکلی دیگر احضار کنند. شنیدن این صداها همیشه برایم جذاب بوده و همین باعث شد فکر کنم می‌توان آن‌ها را به یک تجربه متفاوت برای مخاطب تبدیل کرد. این نقطه شروع بود و سپس تلاش کردم ایده‌های شکل دهم که مخاطب با تصاویر سینمایی مواجه شود و تجربه‌ای شبیه مطالعه داستان را در سالن سینما تجربه کند؛ ترکیبی از خیال‌پردازی ذهنی با حضور متن، تصاویر (عکس و فرم‌های گرافیکی) و صداها. ناگفته نماند که محمود عرفاتی همراه من بود و عکس‌های فیلم نیز کار اوست.

فرم فیلم چقدر اهمیت دارد و آیا با اثری بدون محتوا طرف هستیم؟

در این تجربه، فرم اهمیت ویژه‌ای دارد، اما این به معنای خالی بودن فیلم از محتوا نیست. هرچند روایت منسجم داستانی نداریم، اما محتوا در نام فیلم نیز بازتاب یافته است؛ سرگذشتی از مقاطع مختلف زندگی من (و ما) در سال‌های گذشته، از جمله بحران‌های اقتصادی، دوران کرونا، جنگ ۱۲ روزه و... که مخاطب را به مواجهه‌ای تازه دعوت می‌کند. این که بخش‌ها آشفتنه و سرگردان‌اند، خود بخشی از معناست و با محتوایی ارتباط نیست. پیش از هر چیز، این اثر برای من فیلمی است که با مخاطب تعریف می‌شود و بعد می‌توان آن را یک اثر تجربی توصیف کرد. بنابراین به دنبال بازی صرفاً فرمال نبودم، هرچند که این نوع بازی‌ها را نفی نمی‌کنم.



لطفاً کمی از پیشینه خودتان بگویید و اینکه چطور وارد سینما شدید.

من فارغ‌التحصیل رشته ادبیات نمایشی از دانشگاه هنر هستم. پیش از این دو تجربه، به شکل آزاد در کارهای مرتبط با تولید رسانه‌ای و فیلم‌های تبلیغاتی فعالیت می‌کردم و در کنار آن، علاقه‌هایی مانند نگارش و پژوهش را دنبال می‌کردم. در سال‌های اخیر تمرکز من به ویژه بر فیلم‌نامه‌نویسی و فیلم‌سازی هنری بوده است.

چرا سراغ سینمای تجربی رفتید و علاقه‌تان به این ژانر چیست؟

سینمای تجربی به دلیل رها بودن از محدودیت‌های تولیدی برایم جذاب بوده و میل به خلق، مرا به سمت ساخت آثاری با کمترین امکانات سوق داده است. همان‌طور که یک نقاش با بوم سفید مواجه می‌شود و ابزار و رنگ او را به تجربه‌ای شخصی می‌برد، فیلم‌ساز هم می‌تواند در مواجهه‌ای فردی و شخصی با اثر سینمایی قرار بگیرد. در سینمای تجربی خلاقیت با آزادی بیشتری بروز پیدا می‌کند و پیش‌فرض‌هایی که یک حیطه هنری را تعریف می‌کنند، به پرسش کشیده می‌شوند؛ این که فیلم چیست یا چه می‌توانست باشد، پرسشی است که در این فضا می‌توان پاسخ‌های تازه‌ای به آن داد. البته خودم را محدود به فیلم‌سازی تجربی نمی‌دانم و علاقه دارم در مراحل بعدی به سراغ فیلم داستانی بروم.

نظر شما درباره فیلم تجربی و داستان‌گو بودن آن چیست؟

به اعتقاد من، ماهیت تجربی این حوزه اجازه نمی‌دهد مرزهای قاطع برای آن تعریف کنیم. یکی از این مرزها، داستانی نبودن اثر تجربی است، در حالی که اثر تجربی می‌تواند با داستان به عنوان یک عنصر روایی و حتی سینمایی برخورد کند و از آن در اثر استفاده نماید. نگاهی محدودکننده است اگر بخواهیم هر تجربه‌ای که شکلی از روایت دارد را از حیطه فیلم تجربی بیرون بگذاریم.

پروسه تولید فیلم چطور بود و چالش‌ها چه بودند؟

چالش اصلی در طراحی ایده و شکل دادن به این تجربه نسبتاً تازه بود. مدیریت واکنش مخاطب نیز اهمیت داشت که بیشتر به تدوین و متن



مربوط می‌شد. مدت‌ها با ایده اصلی در ذهن کار می‌کردم، اما مرحله تولید عملاً زمان زیادی نبرد و کمتر از یک هفته به پایان رسید.

درباره تکنیک‌های اجرایی فیلم توضیح دهید.

فیلم شامل سه بخش است. بخش اول صداهایی دارد که شامل دیالوگ و کلام می‌شود و همراه با عناصر گرافیکی ارائه می‌شوند. بخش دوم عکس‌هایی در سکوت است که به دلیل تجربه ادراکی بخش‌های دیگر، مخاطب احتمالاً صداهایی ذهنی به آن‌ها اضافه می‌کند. بخش سوم شامل صداهای محیطی است که روی تصویر متن‌هایی قرار می‌گیرد و مخاطب را ترغیب می‌کند موقعیت توصیف شده را به شکل ذهنی تماشا کند. چیدمان این بخش‌ها منظم و یک‌دست نیست.

بازخورد مخاطبان را چطور پیش‌بینی می‌کنید؟

بسیار کنجکاوم بازخورد مخاطبان را در سالن نمایش جشنواره ببینم. با توجه به اهمیت صدا در این فیلم، تمرکز سالن سینما می‌تواند در همراهی با تجربه اثر تأثیرگذار باشد. با وجود خاص بودن تجربه این کار، آن را برای ارائه در سالن طراحی کرده‌ام و امیدوارم مخاطبان این تجربه نوراً به رسمیت بشناسند و از مواجهه با اثر احساس منفی نداشته باشند.

اهمیت جشنواره فیلم کوتاه تهران از نگاه شما چیست؟

به دلیل حضور فیلم‌سازان جوان و پتانسیل، جشنواره‌ای پرشور و امیدبخش است و در سال‌های اخیر اعتبار زیادی کسب کرده است. نگاه رسانه‌ای حمایتی به آثار و فرصت دیدن دیگر آثار و گفت‌وگو با هنرمندان و اهالی سینمای کوتاه نیز از نقاط قوت آن است. همچنین جشنواره فیلم کوتاه تهران توجه ویژه‌ای به فیلم‌های تجربی دارد، در حالی که جشنواره‌های کمی به این نوع آثار اهمیت می‌دهند.

جمع‌بندی و صحبت پایانی

از شما بابت فرصتی که در اختیارم گذاشتید متشکرم. امیدوارم شور و طراوتی که در جشنواره‌های فیلم کوتاه می‌بینیم، آرام‌آرام در فضای سینمای بلند ایران هم دیده شود؛ هرچند این هم از آن آرزوهاست.



عکس